

تبیین روابط ساختاری رابطه کیفیت روابط ابژه‌ای و ناپایداری ازدواج بر اساس نقش میانجی گر توانمندی ایگو

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۵

خلاصه

مقدمه

هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه کیفیت روابط ابژه‌ای و ناپایداری ازدواج بر اساس نقش میانجیگر توانمندی ایگو بود.

روش کار

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر و ساختاری از معادلات بود. با استفاده از شیوه نمونه-گیری در دسترس، ۴۳۸ زوج از زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره جهت اقدام برای جدایی انتخاب شدند و با در نظر گرفتن اصول مربوط به پژوهش، پرسشنامه‌های بی‌ثباتی ازدواج (۱۹۹۷)، سیاهه روانشناختی قدرت ایگو استروم و همکاران (۱۹۹۷)، پرسشنامه روابط موضوعی بل (۱۹۹۵)، را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مسیر و معادلات ساختاری استفاده شده است.

نتایج

نتایج نشان داد که شاخص برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تاییدی از برازش مدل اندازه گیری پژوهش با داده‌های گردآوری شده حمایت نمود. ضریب مسیر کل بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بین توانمندی ایگو و بی‌ثباتی ازدواج منفی و در سطح ۰/۰۱ معنا دار بود و در نهایت ضریب مسیر غیر مستقیم بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنا دار بود که نشان داد توانمندی ایگو به صورت مثبت معنادار رابطه بین روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج را میانجیگری می‌کند.

نتیجه گیری

توانمندی ایگو و کیفیت روابط ابژه‌ای در مجموع ۲۲ درصد از واریانس بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کند. توانمندی ایگو می‌تواند ارتباط بین کیفیت روابط ابژه‌ای با ناپایداری ازدواج را در بین زوجین متقاضی طلاق میانجی‌گری بکند.

کلمات کلیدی

کیفیت روابط ابژه‌ای، ناپایداری ازدواج، توانمندی ایگو
پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

الناز صدقی^۱

نادر منیرپور^{۲*}

حسن میرزا حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد قم،

دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد

اسلامی، قم، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد

اسلامی، قم، ایران

* گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم،

ایران.

Email: Monirpoor@qom-iau.ac.ir

مقدمه

مهمترین نهاد جامعه، خانواده است که با ازدواج شکل می‌گیرد، زندگی مشترک و ازدواج همواره با دورنمایی زیبا برای زوجین آغاز می‌شود، اما بعد از مدتی به دلیل تفاوت‌های موجود بین زن و شوهر که ناشی از رشد و تربیت در دو محیط متفاوت است و همچنین عدم شناخت کافی از ویژگی‌ها روانی و شخصیتی یکدیگر، مشکلات بروز می‌کند و تصویری ناخوشایند از ازدواج می‌سازد (۱). از سوی دیگر، روابط زناشویی گاهی با مشکلات و نارضایتی‌هایی همراه است که زوجین را دچار تعارض می‌کند. بعد از ازدواج تغییراتی در سبک زندگی، روابط اجتماعی و روابط بین فردی طرفین ایجاد می‌شوند که همگی نیازمند توانایی سازگاری زوجین می‌باشند. از طرفی هر یک از زوجین در شرایط رشدی منحصر به فرد پرورش یافته‌اند و شیوه زندگی خاصی مشتمل بر ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی پیش روی خود دارند که در واقع متفاوت از فرد دیگر است. تحت این شرایط به اشتراک گذاشتن زندگی با فردی دیگر که از عقاید، باورها و فرهنگی متفاوت برخوردار است، بخصوص در سالهای اولیه ازدواج کار آسانی نیست و چالش‌ها و آسیب‌هایی ایجاد می‌کند که به نوعی تمام زندگی زوجین را در بر خواهد گرفت (۲). به دلیل اهمیت موضوع، از دیر باز بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری روابط عاطفی و ازدواج، عوامل موثر در بقا و ماندگاری، میزان رضایتمندی و همچنین عوامل دخیل در شکست در ازدواج در تمامی جوامع انسانی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی ناپایداری در ازدواج است. با آنکه نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد اما میزان آن رو به افزایش است و ایران جزء کشورهای مستعد از نظر میزان طلاق معرفی شده است (۳).

عوامل متعددی بر ناپایداری ازدواج تاثیر دارد. از جمله این عوامل تاثیرگذار بر ناپایداری و بی‌ثباتی ازدواج روابط ابژه ای نخستین (Object Relation) است. افراد بر اساس تجربیات خود با مراقبان اولیه، مدل‌های کارآمد درونی خود را شکل داده، و این مدل‌ها بر نوع احساس، افکار، رفتار و تغییر رفتارها و نگرشها در ازدواج و روابط مهم بعدی تاثیر می‌گذارد. در نتیجه این روابط می‌تواند ارضا کننده باشد و هم عمیقا به اشخاص درگیر آسیب بزند. کیفیت این رابطه، حتی پیش‌بینی کننده نوع انتخاب فردی است که به عنوان همسر برگزیده می‌شود (۴).

در ازدواج، رابطه والد-فرزندی و تعارضات درونی حل نشده مربوط به چهره‌های مهم در خانواده اصلی، دوباره زنده شده و چالش‌های ارتباطی جدیدی مانند کنترل، وابستگی، اعتماد و اینارگری ایجاد می‌کند و زوج‌ها برای مقابله با آنها، نقش‌هایی غیر منطقی اتخاذ می‌کنند که از گذشته درونی شده هر یک از آنها، بر آمده است (۵). این بقایای ناخودآگاه، پویایی خانواده‌های اصلی هر یک از زوج‌ها را منعکس می‌کند و مسئول بسیاری از تعارضات و نشانه‌هایی است که در خانواده فعلی بروز می‌کند (۶).

طبق نظریه روابط ابژه رابطه زوج‌ها با هم، و باورها و تعارضات خانواده، توسط فرزندان درونی‌سازی می‌شود و زمانی که فرزندان بزرگ شده و روابط صمیمانه جدیدی برقرار می‌کنند، دوباره این ابژه‌های درونی شده، تجربه و برون‌فکنی می‌شوند. به نظر کلاین روابط اولیه، روابط بعدی را شکل داده و قدرت و نوع هیجانات مرتبط با ابژه‌های اولیه، تعبیر و تفسیر فرد را از تعاملات فعلی شکل می‌دهد. زوج‌هایی که مشکلات ارتباطی

افزایش میزان طلاق در شهرهای بزرگ و مناطق پردرآمدتر آمار بالاتری را نشان می‌دهد. در برخی استان‌ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، ۳۷ طلاق گزارش شده و در برخی شهرستان‌ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، بیش از ۵۰ طلاق ثبت شده و متأسفانه در برخی از شهرها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، ۶۰ مورد طلاق وجود داشته است (۹). در کل بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال آمار طلاق در سال ۱۳۹۶ رکورد زنی کرده است و اما همزمان با ثبت رکورد جدید در طلاق، تعداد ازدواج‌ها نیز کاهش قابل‌لمسی پیدا کرده است، در واقع باید تاکید کرد: هم کمیت طلاق بسیار بالاست و هم مسیر آن به سوی است که در حال افزایش است. با توجه به توضیحات و مسائل تبیین شده در زمینه‌های فوق، پژوهش حاضر به دنبال تبیین روابط ساختاری بین کیفیت روابط ابژه ای نخستین و ناپایداری ازدواج بر اساس نقش میاجیگری توانمندی ایگو بود.

مواد و روش کار

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی زوجین مراجعه کننده برای طلاق شهر تهران تشکیل دادند که از آن تعداد ۴۳۸ زوج با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال، حداقل داشتن مدرک تحصیلی سیکل و گذشت حداقل یک سال از زندگی مشترک آنان بود. جهت اجرای پژوهش، بعد از هماهنگی با مراکز مشاوره پلیس پیشگیری ناجا و مراکز درمانی بهداشتی زیر نظر بهزیستی کل و اخذ مجوز و گفتگو با مسئول پژوهش ناجا جهت اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش با توجه به شیوع روزافزون آمار طلاق و ناسازگاری زناشویی بین زوجین، نمونه ای متشکل از ۴۳۸ زوج متقاضی طلاق که حداقل یک سال از ازدواج آنان گذشته باشد با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند، همچنین توضیح داده شد که این اطلاعات صرفاً جهت انجام پژوهش دانشجویی بوده و اطلاعات به صورت محرمانه باقی می‌ماند تا از سوگیری

دارند به طور ناخودآگاه یکدیگر را در مقابل مدل‌های ابژه‌های عشقی اولیه که با آنها روابط تردید آمیزی دارند، مورد آزمایش قرار می‌دهند. بر اساس پژوهش‌ها، یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار بر ناپایداری ازدواج و تعارضات زناشویی از دیدگاه روان-پویشی توانمندی ایگو است. از نظر فروید شخصیت انسان دارای سه ساختار شامل اید، ایگو و سوپر ایگو است. من یا ایگو به دومین ساختار شخصیت در نظریه فروید اطلاق می‌گردد که در اثر نیروهای موجود در نهاد به وجود می‌آید. عملکردهای ایگو شامل ارتباط با واقعیت، تنظیم و کنترل نیروهای غریزی، روابط موضوعی، پردازش تفکر، عملکردهای دفاعی و عملکردهای قضاوت است. روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی کارکردهای ایگو هستند که در کانون زندگی روان‌شناختی سلامت قرار دارند و در آسیب‌شناسی روانی مهم تلقی می‌شوند (۷). از آنجایی که ایگو وظیفه مدیریت سیستم روانی را بر عهده دارد تمام مشکلات زمانی ظاهر می‌شوند که ایگو نتواند به مسئولیت هایش عمل کند. در مجموع اینکه، توانایی برای کنار آمدن با زندگی، یعنی تعادل روانی ما به توانایی و قدرت ایگو در جهت غلبه بر فشارهای گوناگونی که بر آن وارد می‌شود بستگی دارد (۸).

در سال‌های اخیر نرخ طلاق و بی‌ثباتی در ازدواج در کشور رو به افزایش است. در ایران، بیشتر طلاقها در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ است، آمار رشد ۴ درصدی طلاق در سه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۳ حکایت از بیشترین طلاق‌های ثبت شده زنان به میزان ۱۴/۵ درصد مربوط به رده سنی ۲۷ تا ۲۹ سال و بیشترین طلاق‌های ثبت شده مردان نیز به میزان ۱۶/۲ درصد نیز مربوط به همین رده سنی یعنی ۲۷ تا ۲۹ سال بوده است، سازمان ثبت از رشد عجیب طلاق در سنین ۲۷ تا ۲۹ خبر داد (۴).

احتمالی پیشگیری به عمل آید. سپس پرسشنامه ها با توجه به میزان همکاری زوجین توزیع شد و افرادی که مایل به همکاری بودند پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌های پژوهش بعد از ماتریس ضریب همبستگی از مدل معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد.

ابزارها

ابزار پژوهش به شرح زیر بود:

پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج: پرسشنامه شاخص

بی‌ثباتی ازدواج در سال ۱۹۸۷ توسط ادواردز، جانسون، و بوث تهیه و تنظیم شده است. یک ابزار ۱۴ سوالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن تدوین شده است. شاخص بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق را می‌توان با استفاده از دستور نمره گذاری آن به سهولت روی ابزار خود نمره داد. تعداد پاسخ‌های مستعد طلاق بودن جمع می‌شود و در پایین صفحه درج می‌گردد، جایی که رقم همتراز احتمال طلاق نیز آمده است (۱۰). پایایی و روایی این پرسشنامه با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است (۱۱).

پرسشنامه روابط موضوعی: این پرسشنامه توسط بل در

سال ۱۹۹۵ طراحی نمود. در این پرسشنامه ۴۵ سوال به سنجش روابط موضوعی و ۴۵ سوال به سنجش واقعیت آزمایشی با کارکردهای من می‌پردازد که در مجموع ۹۰ سوال را شامل می‌شود. این پرسشنامه ۴ خرده مقیاس بی‌کفایتی، خود میان‌بینی، دلبستگی، و بیگانگی را شامل می‌شود. در این پرسشنامه بیگانگی به کمبود اعتماد در روابط، عدم موفقیت در صمیمیت، و ناامیدی در نیل به صمیمیت در روابط اشاره دارد. دلبستگی ناایمن، به روابط بین فردی دردناک، حساسیت به طرد شدن، و تأکید بسیار زیاد به اخذ تأیید از دیگران مربوط می‌شود. خود میان‌بینی متشکل از بی‌اعتمادی به دیگران و

کنترل و اعمال قدرت به دیگران است. و بی‌کفایتی اجتماعی به خجالتی بودن، شک و تردید به توانایی‌های خود در برقراری روابط (بالاخص در روابط با جنس مخالف)، و ناتوانی در شکل دادن به روابط اشاره دارد (۱۲). این پرسشنامه در ایران مورد بررسی قرار گرفت و پایایی هر یک از خرده مقیاس‌ها در نمونه ایرانی عبارت بودند از: بیگانگی ۰/۶۰، دلبستگی ناایمن ۰/۶۴، خود میان‌بینی ۰/۸۰، و بی‌کفایتی ۰/۶۱، همچنین ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایشی بل در سال ۹۰ - ۸۹ در نمونه‌های ایرانی بررسی شد و با آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها از ۰/۶۶ برای بی‌کفایتی اجتماعی تا ۰/۸۸ برای بیگانگی تأیید شد (۱۳).

پرسشنامه روانشناختی قدرت ایگو: سیاهه روانشناختی

قدرت ایگو توسط استروم و همکاران (۱۹۹۷)، ساخته شده است که ۸ نقطه قدرت ایگو (امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق و خرد) را می‌سنجد و دارای ۶۴ سوال است. عبارات این پرسشنامه بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً با من مطابق است (۵) تا اصلاً با من مطابق نیست (۱) نمره گذاری می‌شوند در این پرسشنامه بالاترین نمره ای که فرد می‌تواند اخذ نماید برابر ۳۰۰ و پایین‌ترین نمره ۶۰ می‌باشد. اخذ نمره نزدیک به ۳۰۰ نشان دهنده سطح قدرت بالای ایگو و اخذ نمره نزدیک به ۶۰ نشان دهنده قدرت پایین ایگو می‌باشد. استروم و همکاران به عنوان سازندگان این پرسشنامه، روایی و پایایی این پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. آنها روایی صوری، محتوا و سازه این پرسشنامه را مورد تأیید قرار دادند و همچنین برای بررسی پایایی آن از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، آن را ۰/۶۸ درصد گزارش کردند (۱۴). در ایران نیز آلفای کرونباخ سیاهه را بر روی

نمونه‌ای ایرانی ۰/۹۱ و پایایی دو نیمه سازی مقیاس را ۰/۷۷

گزارش شد (۸).

درصد) فوق لیسانس و بالاتر بود. همچنین ۱۱۸ نفر (۱۳/۵ درصد) از آنان کارمند، ۱۵۱ نفر (۱۷/۲ درصد) کارگر، ۲۲۲ نفر (۲۵/۳ درصد) دارای شغل آزاد، ۱۷۷ نفر (۲۰/۲ درصد) خانه دارد و ۲۰۸ نفر (۲۳/۷ درصد) بی کار بودند. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

نتایج

در پژوهش حاضر ۸۷۶ نفر (۴۳۸ مرد و ۴۳۸ زن) با میانگین و انحراف استاندارد سنی $37/29 \pm 7/54$ حضور داشتند. میزان تحصیلات ۷۵ نفر (۸/۶ درصد) از شرکت کنندگان سیکل، ۱۶۴ نفر (۱۸/۷ درصد) دیپلم، ۱۰۹ نفر (۱۲/۴ درصد) فوق دیپلم، ۳۴۷ نفر (۳۹/۶ درصد) لیسانس و ۱۸۱ نفر (۲۰/۷ درصد)

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. روابط ابژه‌ای- بی‌کفایت اجتماعی	-												
۲. روابط ابژه‌ای- خودمیان بینی	۰/۵۵**	-											
۳. روابط ابژه‌ای- دل‌بستگی نایمن	۰/۶۳**	۰/۵۲**	-										
۴. روابط ابژه‌ای- بیگانگی	۰/۶۶**	۰/۴۳**	۰/۴۹**	-									
۵. توانمندی ایگو-امید	-۰/۲۶**	-۰/۲۵**	-۰/۲۸**	-۰/۲۰**	-								
۶. توانمندی ایگو-خواسته	-۰/۲۶**	-۰/۱۴**	-۰/۱۲**	-۰/۱۶**	۰/۲۷**	-							
۷. توانمندی ایگو-هدف	-۰/۱۵**	-۰/۲۷**	-۰/۲۷**	-۰/۲۶**	۰/۳۲**	۰/۴۱**	-						
۸. توانمندی ایگو-شایستگی	-۰/۲۸**	-۰/۲۴**	-۰/۲۱**	-۰/۲۱**	۰/۳۴**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	-					
۹. توانمندی ایگو-وفاداری	-۰/۲۲**	-۰/۲۱**	-۰/۲۶**	-۰/۳۵**	۰/۴۱**	۰/۱۶**	۰/۳۷**	۰/۳۰**	-				
۱۰. توانمندی ایگو-عشق	-۰/۳۱**	-۰/۱۹**	-۰/۲۳**	-۰/۱۷**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۲۶**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	-			
۱۱. توانمندی ایگو-مراقبت	-۰/۲۵**	-۰/۲۲**	-۰/۱۸**	-۰/۲۹**	۰/۴۲**	۰/۳۲**	۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۳۵**	۰/۳۱**	-		
۱۲. توانمندی ایگو-خرد	-۰/۲۵**	-۰/۳۰**	-۰/۲۸**	-۰/۱۳**	۰/۴۸**	۰/۲۷**	۰/۳۸**	-۰/۴۲**	۰/۳۱**	۰/۵۱**	۰/۳۱**	-	
۱۳. بی‌ثباتی ازدواج	۰/۳۰**	۰/۲۹**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	-۰/۲۴**	-۰/۱۶**	-۰/۳۳**	-۰/۲۷**	-۰/۲۹**	-۰/۲۵**	-۰/۲۷**	-۰/۳۴**	-
میانگین	۱۲/۴۳	۶/۰۸	۷/۰۵	۳/۵۹	۲۳/۵۳	۲۳/۳۴	۲۲/۴۴	۲۳/۱۳	۲۲/۹۲	۲۲/۶۰	۲۲/۵۲	۲۱/۹۸	۳۲/۴۵
انحراف استاندارد	۳/۷۳	۲/۴۰	۲/۳۵	۱/۴۹	۵/۷۷	۵/۲۵	۵/۱۴	۴/۸۷	۵/۶۵	۴/۹۰	۵/۰۷	۵/۱۷	۶/۸۷

$P^{**} > 0/01$ و $P^* > 0/05$

در این پژوهش مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری از طریق ارزیابی مقادیر کشیدگی و چولگی و مفروضه همخطی بودن به وسیله ارزیابی مقادیر عامل تورم واریانس (VIF) و ضریب تحمل مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به این که مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرها در محدود $2 \pm$ قرار داشتند و با توجه به این نکته که مقادیر ضریب تحمل همه متغیرهای پیش بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس همه آنها کوچکتر از ۱۰ بودند،

منطبق بر نتایج جدول فوق همه مؤلفه‌های کیفیت روابط ابژه‌ای (بی‌کفایتی اجتماعی، خودمیان بینی، دل‌بستگی نایمن و بیگانگی) به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ و همه مؤلفه‌های توانمندی ایگو (امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با متغیر ناپایداری ازدواج همبسته بودند.

چنین نتیجه گیری شد که مفروضه‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها و همخطی بودن در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. در نهایت تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلبویس» نشان داد که داده‌های سه نفر شرکت کنندگان پرت چند متغیری تشکیل داده است. بنابراین اطلاعات آن سه شرکت کننده حذف و به دنبال آن مقادیر چولگی و کشیدگی نمرات مهلبویس به ترتیب $1/03$ و $1/20$ به دست آمد. این مقادیر نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چند متغیری نیز در بین داده‌ها برقرار بوده است.

پس از ارزیابی مفروضه‌ها، مدل پژوهش با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. متغیرهای مکنون

کیفیت روابط ابژه‌ای و توانمندی ایگو مدل اندازه گیری پژوهش را تشکیل می‌دادند و چنین فرض شده بود که متغیر مکنون کیفیت روابط ابژه‌ای به وسیله نشانگرهای بی‌کفایتی اجتماعی، خودمیان بینی، دلبستگی ناایمن و بیگانگی و متغیر مکنون توانمندی ایگو به وسیله نشانگرهای امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه گیری به وسیله تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS 24.0 و برآورد بیشینه احتمال (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول ۲ شاخص‌های برازندگی مدل اولیه اندازه گیری و مدل‌های اصلاح شده آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی مدل اندازه گیری و مدل ساختاری

نقطه برش	مدل ساختاری	مدل اندازه گیری				شاخص
		اصلاح سوم	اصلاح دوم	اصلاح اول	مدل اولیه	
-	۲۷۲/۲۸	۲۴۱/۷۶	۲۶۹/۵۰	۳۱۲/۴۸	۳۶۱/۸۷	برازندگی مجذور کای
-	۶۰	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	درجه آزادی مدل
کمتر از ۳	۰/۹۳۱	۰/۹۳۴	۰/۹۲۶	۰/۹۱۵	۰/۹۰۱	NFI ^۱
۰/۹۰ >	۰/۹۴۹	۰/۹۵۳	۰/۹۴۸	۰/۹۴۱	۰/۹۳۳	GFI ^۲
۰/۸۵۰ >	۰/۹۲۸	۰/۹۲۶	۰/۹۲۱	۰/۹۱۱	۰/۹۰۱	AGFI ^۳
۰/۹۰ >	۰/۹۴۴	۰/۹۴۷	۰/۹۳۹	۰/۹۲۷	۰/۹۱۴	CFI ^۴
۰/۰۸ <	۰/۰۶۴	۰/۰۶۶	۰/۰۷۰	۰/۰۷۶	۰/۰۸۲	RMSEA ^۵

1. Normed Fit Index

2. Goodness Fit Index

3. Adjusted Goodness Fit Index

4. Comparative Fit Index

5. ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب (Root Mean Square Error of Approximation)

کوواریانس بین نشانگرهای عشق و خرد (مرحله اول)، شایستگی و عشق (مرحله دوم) و خواسته و وفاداری (مرحله سوم) مدل اندازه گیری را اصلاح و شاخص‌های برازندگی بهتری به دست آورد (CFI=۰/۹۳۴، NFI=۰/۹۴۷، RMSEA=۰/۰۹۲۶). جدول ۳ بارهای عاملی هر یک از نشانگرها را نشان می‌دهد.

اگرچه منطبق بر نتایج جدول فوق همه شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تاییدی از برازش مدل اندازه گیری پژوهش با داده‌های گردآوری شده حمایت نمود (CFI=۰/۹۱۴، NFI=۰/۹۰۱، AGFI=۰/۹۰۱، RMSEA=۰/۰۸۲). با وجود این ارزیابی شاخص‌های اصلاح نشان داد که می‌توان با ایجاد

جدول ۳. پارامترهای مدل اندازه گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

t	SE	β	b	متغیر مکنون- نشانگر
		۰/۹۰۵	۱	روابط ابژه‌ای- بی کفایت اجتماعی
۲۰/۰۹**	۰/۰۲۳	۰/۶۴۲	۰/۴۵۵	روابط ابژه‌ای- خودمیان بینی
۲۳/۶۲**	۰/۰۲۲	۰/۷۳۱	۰/۵۰۹	روابط ابژه‌ای- دل‌بستگی نایمن
۲۳/۲۵**	۰/۰۱۴	۰/۷۲۲	۰/۳۲۰	روابط ابژه‌ای- بیگانگی
		۰/۶۵۶	۱	توانمندی ایگو-امید
۱۳/۰۷**	۰/۰۵۳	۰/۵۱۷	۰/۷۱۵	توانمندی ایگو-خواسته
۱۵/۸۰**	۰/۰۵۵	۰/۶۳۶	۰/۸۶۲	توانمندی ایگو-هدف
۱۵/۹۱**	۰/۰۵۲	۰/۶۵۲	۰/۸۳۸	توانمندی ایگو-شایستگی
۱۴/۴۳**	۰/۰۶۰	۰/۵۷۷	۰/۸۶۰	توانمندی ایگو-وفاداری
۱۴/۷۳**	۰/۰۵۳	۰/۶۰۵	۰/۷۸۲	توانمندی ایگو-عشق
۱۵/۹۶**	۰/۰۵۰	۰/۶۴۴	۰/۸۵۸	توانمندی ایگو-مراقبت
۱۴/۷۴**	۰/۰۵۴	۰/۵۹۴	۰/۸۱۱	توانمندی ایگو-خرد

پس از اطمینان از برازش قابل قبول مدل اندازه گیری با داده‌های گردآوری شده، چگونگی برازش مدل ساختاری با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. همچنان که جدول ۳ نشان می‌دهد، همه شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل ساختاری با داده‌های گردآوری شده حمایت نمودند (CFI=۰/۹۴۴، NFI=۰/۹۳۱، AGFI=۰/۹۲۸، GFI=۰/۹۴۹، RMSEA=۰/۰۶۴). جدول ۴ ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

**P < ۰/۰۱

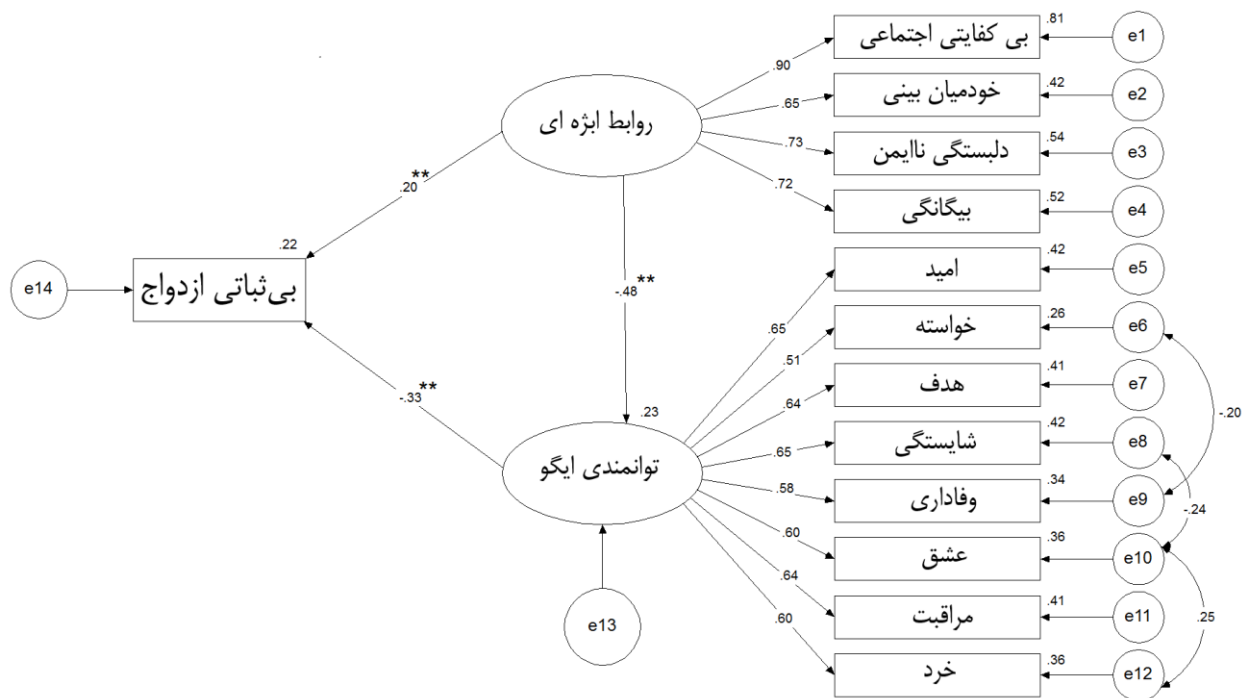
نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای بی‌کفایتی اجتماعی و امید با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین مقادیر خطای استاندارد (SE) و نسبت بحرانی (t) برای آنها محاسبه نشده است. جدول ۲ نشان می‌دهد که بارهای عاملی همه نشانگرها بزرگتر از ۰/۳۲ بوده و پایین‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر خواسته ($\beta=۰/۴۶۸$) توانمندی ایگو و بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر بی‌کفایتی اجتماعی ($\beta=۰/۹۰۵$) روابط ابژه‌ای بود. بدین ترتیب می‌توان گفت همه نشانگرها از توان لازم برای اندازه گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

جدول ۴. ضرایب در مدل ساختاری

sig	β	S.E	b	مسیرها
۰/۰۰۱	۰/۲۰۵	۰/۰۹۰	۰/۴۲۰	ضریب مسیر مستقیم بین کیفیت روابط ابژه‌ای ← بی ثباتی ازدواج
۰/۰۰۱	-۰/۳۳۱	۰/۰۸۸	-۰/۶۰۳	ضریب مسیر بین توانمندی ایگو ← بی ثباتی ازدواج
۰/۰۰۱	-۰/۴۸۴	۰/۰۶۵	-۰/۵۴۴	ضریب مسیر بین کیفیت روابط ابژه‌ای ← توانمندی ایگو
۰/۰۰۱	۰/۱۶۰	۰/۰۶۵	۰/۳۲۸	ضریب مسیر غیر مستقیم بین کیفیت روابط ابژه‌ای ← بی ثباتی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۶۵	۰/۰۸۵	۰/۷۴۷	ضریب مسیر کل بین کیفیت روابط ابژه‌ای ← بی ثباتی ازدواج

۰/۰۱ معنادار بود. در نهایت ضریب مسیر غیر مستقیم بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($\beta=۰/۱۶۰$, $p<۰/۰۱$) که نشان می‌دهد توانمندی ایگو به صورت مثبت و معنادار رابطه بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی ثباتی ازدواج را میانجیگری می‌کند.

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب مسیر کل بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($\beta=۰/۳۶۵$, $p<۰/۰۱$). همچنین جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب مسیر بین توانمندی ایگو و بی ثباتی ازدواج ($\beta=-۰/۳۳۱$, $p<۰/۰۱$) منفی و در سطح



شکل ۱. مدل کلی پژوهش براساس نمره‌های استاندارد

که توانمندی ایگو و کیفیت روابط ابژه‌ای در مجموع ۲۲ درصد از واریانس بی ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند.

همانطور که در مدل شکل ۱ ملاحظه می‌شود، مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر بی ثباتی ازدواج برابر با ۰/۲۲ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از یافته‌های بدست آمده در پژوهش در جهت تایید فرضیه‌های پژوهش حاضر نشان داد که منطبق بر نتایج همه مؤلفه‌های کیفیت روابط ابژه‌ای (بی‌کفایتی اجتماعی، خودمیان بینی، دل‌بستگی نایمن و بیگانگی) به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ و همه مؤلفه‌های توانمندی ایگو (امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با متغیر ناپایداری ازدواج همبسته بودند.

ضریب مسیر کل بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($\beta=0/365, p<0/01$). همچنین نتایج نشان داد که ضریب مسیر بین توانمندی ایگو و بی‌ثباتی ازدواج ($\beta=-0/331, p<0/01$) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در نهایت ضریب مسیر غیر مستقیم بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($\beta=0/160, p<0/01$) که نشان می‌دهد توانمندی ایگو به صورت مثبت و معنادار رابطه بین کیفیت روابط ابژه‌ای و بی‌ثباتی ازدواج را میانجی‌گری می‌کند. مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر بی‌ثباتی ازدواج برابر با ۰/۲۲ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است که توانمندی ایگو و کیفیت روابط ابژه‌ای در مجموع ۲۲ درصد از واریانس بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند. نتایج به دست آمده از پژوهش با نتایج پژوهش‌های فلاح‌زاده و هاشمی‌گشینگانی (۴)، قنبری، اسماعیلی، پورابراهیمی (۱۵)، مک‌گیورن، موسو، فردانبرگ و هند (۱۶)، فلد هوس و هینتز (۵) و هاتمی و ام‌سی درموت (۱۷) همسو بود.

در تبیین نتایج حاصل از پژوهش می‌توان گفت، ازدواج و رابطه زناشویی مزیت‌های زیادی برای زوجین و فرزندانشان دارد، اما

فروپاشی زندگی زناشویی با افزایش مشکلات روانی و کاهش سلامت جسمانی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه افراد درگیر در خانواده دارد، به همین دلیل در دهه‌های اخیر روانشناسان به کشف عوامل مؤثر در ازدواج‌های موفق و بلندمدت توجه نشان داده‌اند. می‌توان با تغییر در کانون توجه مطالعات از جنبه‌های منفی مشکلات مانند تعارض به سمت معانی و انگیزه‌های عمیق‌تر در روابط و ساختارهای مثبت که شامل خوشبختی است به تقویت و بازسازی روابط کمک کرد و درک بهتری از روابط زوج‌ها به دست آورد (۱۸).

ازدواج خوشبخت متشکل از عواملی مانند تعهد، احترام، صمیمیت، اعتماد است که در غیاب آنها زندگی زناشویی با مشکلات جدی روبرو می‌شود (۱۹). شناسایی عواملی که در ساختار ازدواج‌های موفق و رضایت‌مند نقش دارند و موجب احساس خوشبختی در ازدواج می‌شوند می‌تواند منجر به کاهش آمار طالق در جامعه شود و به زوجین در داشتن رابطه رضایت بخش و پایدار کمک کند (۲۰).

به عنوان مثال در ازدواج، رابطه والد-فرزندی و تعارضات درونی حل نشده مربوط به چهره‌های مهم در خانواده اصلی، دوباره زنده شده و چالش‌های ارتباطی جدیدی مانند کنترل، وابستگی، اعتماد و ایثارگری ایجاد می‌کند و زوج‌ها برای مقابله با آنها، نقش‌هایی غیر منطقی اتخاذ می‌کنند که از گذشته درونی شده هر یک از آنها، بر آمده است (۵). این بقایای ناخودآگاه، پویایی خانواده‌های اصلی هر یک از زوج‌ها را منعکس می‌کند و مسئول بسیاری از تعارضات و نشانه‌هایی است که در خانواده فعلی بروز می‌کند (۶).

طبق نظریه روابط ابژه رابطه زوج‌ها با هم، و باورها و تعارضات خانواده، توسط فرزندان درونی سازی می‌شود و زمانی که فرزندان بزرگ شده و روابط صمیمانه جدیدی برقرار می‌کنند،

دوباره این ابژه‌های درونی شده، تجربه و برون‌فکنی می‌شوند. به نظر کلاین روابط اولیه، روابط بعدی را شکل داده و قدرت و نوع هیجان‌ات مرتبط با ابژه‌های اولیه، تعبیر و تفسیر فرد را از تعاملات فعلی شکل می‌دهد. زوج‌هایی که مشکلات ارتباطی دارند به طور ناخودآگاه یکدیگر را در مقابل مدل‌های ابژه‌های عشقی اولیه که با آنها روابط تردید آمیزی دارند، مورد آزمایش قرار می‌دهند. کشمکش‌های زناشویی نتیجه فرافکنی متقابل است، به طوری که فرد با ابژه پدر یا مادر همانند سازی کرده و در ازدواج همان ابژه را روی همسرش فرافکنی می‌کند. بنابراین بی‌ثباتی در ازدواج زمانی به وجود می‌آید که یکی از زوج‌ها نمی‌تواند نقش والدین خیالی و معینی را که برای او در نظر گرفته شده، با موفقیت ایفا کند (۲۱).

همچنین ناتوانی در پروراندن فرایندهای من، مانند قضاوت و استدلال اخلاقی می‌تواند همانند تثبیت‌های اولیه جنسی یا پرخاشگری به آسیب روانی منجر شوند، از این رو کسی که من رشد نیافته‌ای دارد برای سازش با واقعیت فاقد آمادگی خواهد بود. بنابراین وجود یک ایگوی قدرتمند در افراد باعث می‌شود که نشانه‌های آسیب روانی را از خود کمتر نشان دهند و در برابر تنش ناشی از فشارهای زندگی تحمل و ظرفیت کافی را داشته باشند که بر اساس نتایج پژوهش این متغیر عامل تاثیر گذاری در جهت پیش‌بینی ناپایداری ازدواج است. از آنجایی که ایگو وظیفه مدیریت سیستم روانی را بر عهده دارد تمام مشکلات زمانی ظاهر می‌شوند که ایگو نتواند به مسئولیت‌هایش عمل کند. در مجموع اینکه، توانایی برای کنار آمدن با زندگی، یعنی تعادل روانی ما به توانایی و قدرت ایگو در جهت غلبه بر فشارهای گوناگونی که بر آن وارد می‌شود بستگی دارد (۸).

کابر و هاروف با مطالعه الگوهای ارتباطی زوجینی که دارای ازدواج پایدار هستند مشخص ساختند ازدواج‌هایی که ماندگار و

خوشبخت نیستند دارای دو نوع اصلی است: نوع اول ازدواج‌های ابزاری است که در آن، ازدواج به خاطر به دست آوردن سود و منفعت از فردی دیگر است. نوع دوم ازدواج‌های غریزی که در آن فرد به شخص دیگر، به عنوان یک فرد، متعهد شده است و به ازدواج به عنوان یک موجودیت جداگانه متعهد نشده است (۲۲).

لاور و لاور هفت دلیل را برای ازدواج پایدار و خوشبخت عنوان کردند: دوست‌همدیگر بودن، علاقه به همسر به عنوان یک انسان، مقدس شمردن ازدواج، توافق بر سر اهداف و انتظارات، تعهد، بیشتر شدن علاقه به همدیگر در طول زمان و تمایل به موفقیت در زندگی و رابطه در مورد ازدواج‌های بلندمدت و رابطه زناشویی (۲۳). مرور مطالعات کمی به کلیدهای ازدواج پایدار همانند روابط صمیمی و عاطفی، متعهد شدن به همسر و ازدواج، حل تعارض و دیگر عوامل منتهی شده است (۲۴). در مطالعه دیگر گزارش شد که دو مضمون اصلی ازدواج پایدار نگرش‌های مشترک (تعهد، احترام و اخلاق) در مورد روابط زناشویی و کنش اشتراکی (تلاش و کوشش برای توسعه روابط زناشویی) بود (۲۰).

فاطمیما و اجمل (۱۹) در یک پژوهش کیفی با یک مشارکت‌کننده به طبقه‌بندی عوامل ازدواج پایدار و خوشبخت دست یافتند که عبارت بودند از: تشابه در فرقه مذهبی، رضایت، سازش و مصالحه، عشق و توجه، اعتماد و درک، ارتباط، تفاوت سنی، صداقت و احترام، مشارکت و در میان گذاشتن، گذشت، خلق و خوی همسر، ماندن به خاطر فرزندان، ساختار خانواده، تحصیلات و طبقه و روابط مثبت با خانواده همسر. در تحقیقی کاسلو و رویسون به عواملی دیگر همانند نگرش‌های معنوی و اخلاقی دیکسون، تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری به ازدواج در ازدواج‌های پایدار دست یافتند (۲۵). در پژوهش‌های کیفی

بالا تجربه و معنای خوشبختی در ازدواج پایدار بررسی نشده است.

در پژوهش کیفی کریمی‌ثانی و همکاران عوامل ازدواج موفق شامل ۵ طبقه اصلی بود: ۹ - عوامل ارتباطی شامل زیر طبقات بعد اخلاقی ارتباط، تعامل منطقی، بعد عاطفی و بعد اعتمادی ۲ - عوامل فردی و شخصیتی شامل زیر طبقات اجتماعی بودن، مهربان بودن، صبور و با گذشت بودن، انعطاف پذیری، وجدانی بودن و متعهد بودن و اعتماد به نفس ۳ - عوامل خانوادگی شامل زیر طبقات فرهنگ خانواده، شناخت کافی از خانواده همسر، تعهد فرد نسبت به خانواده ۴ - عوامل اخلاقی و معنوی شامل زیر طبقات صداقت، ایمان و تشابه مذهبی، احترام متقابل، اخلاق نیکو و مسئولیت‌پذیری ۵ - عوامل فرهنگی اجتماعی شامل زیر طبقات وضعیت اقتصادی، آداب، رسوم و مذهب و ارزش‌ها و تحصیلات (۲۶).

وجود تعارض و کشمکش در رابطه زناشویی، زن و مرد و کل خانواده را متحمل تنش و فشار شدیدی می‌کند. نحوه واکنش زن و مرد به درگیری‌های زناشویی متفاوت است. به نظر می‌رسد از آنجایی که برای زنان داشتن ارتباط عاطفی و صمیمیت اهمیت فراوانی دارد پس از اختلافات زناشویی تا مدت‌ها به مسئله، فکر می‌کنند و مرتباً آن را در ذهن خود مرور می‌کنند. از طرف دیگر مردان حساسیت کمتری به گرمی و صمیمیت در روابط زناشویی نشان می‌دهند؛ بنابراین، مردان، احتمالاً کمتر در تعارضات زناشویی متأثر می‌شوند و بیشتر به استقلال و رشد شخصی اهمیت می‌دهند. درحالی‌که زنان بیشتر از فرازوفرودهایی که در زندگی به وجود می‌آید متأثر می‌شوند؛ اما در مجموع مسلم این است که اختلافات زناشویی کل خانواده را درگیر می‌کند و مخصوصاً بیش از همه فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به پژوهش‌ها ناپایداری ازدواج

با فرسودگی زناشویی (۲۷) و شرایط غیراستاندارد کاری (۲۸) سبک دلبستگی اضطرابی دوسویه (۲۹) و زندگی مشترک قبل از ازدواج (۳۰)، رابطه مثبتی دارد.

برنامه‌های آموزشی برای زوجها در آلمان (۳۱) و مشاوره خانواده (۳۲) برای زوجین متقاضی طلاق در ایران به کاهش ناپایداری ازدواج انجامیده است. بنابراین، زندگی‌های زناشویی که به دلیل عدم شباهت‌ها و عدم انعطاف پذیری میان زن و شوهر در مسائل مختلفی چون ارزش‌ها، میزان هوش، میزان انرژی، اختلاف در دیدگاه‌ها، خلق‌وخوی و علایق دچار تزلزل و نابسامانی می‌گردد و احتمال وقوع طلاق یا جدایی در مورد آن‌ها زیاد می‌شود.

اغلب مطالعات انجام گرفته در حوزه مسائل خانواده، چه مطالعاتی که به تعارضات زناشویی پرداخته‌اند و چه مطالعاتی که با هدف تبیین گسست در زناشویی و موضوع طلاق انجام گرفته‌اند، تقریباً از یک فرم و قالب یکسانی پیروی نموده‌اند. در همه این تحقیقات سعی شده است مسئله تعارض زناشویی یا گسست زناشویی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده و تأثیر یک دسته از عوامل، به عنوان متغیرهای مستقل، بر بروز یا تداوم این مسئله مورد بررسی قرار گیرد. و مهمترین وجه تفاوت این مطالعات از همدیگر به تفاوت در متغیرهای مستقل آنها مربوط است که آن نیز ناشی از رویکردهای نظری متفاوتی است که هر کدام از محققین انتخاب نموده و مدل‌های نظری و مفهومی خویش را بر اساس آن پایه‌گذاری کرده‌اند. با افزایش آمار بی سابقه طلاق در ایران و همچنین افزایش سن ازدواج و بالا رفتن آگاهی قشر جوان، گرایش برای مراجعه به مراکز مشاوره جهت راهنمایی برای انتخاب درست همسر افزایش یافته است لذا انجام چنین پژوهشهایی جهت آگاهی دادن به جوانان و راهنمایی آنان برای انتخاب همسر مناسب آنها و کاهش میزان نارضایتی زوجین متأهل و جلوگیری از وقوع طلاق زود هنگام ضروری به نظر می‌رسد.

Reference

1. Ecker S, Riggle ED, Rostosky SS, Byrnes JM. Impact of the Australian marriage equality postal survey and debate on psychological distress among lesbian, gay, bisexual, transgender, intersex and queer/questioning people and allies. *Australian Journal of Psychology*. 2019 Sep;71(3):285-95.
2. Amini M, Heydari H. Effectiveness of Relationships Enrichment Education on Improvement of Life Quality and Marital Satisfaction in Married Female Students. *J Educ Community Health*. 2016; 3 (2) :23-31
3. Moslemi Seraji R, Boustanipour. Predicting marital instability based on marital conflict with the mediating role of postpartum depression. *Journal of Women Research*, 2019; 10 (27): 141-157.
4. FallahZadeh H, Hashemi Geshnigani. A Comparison of Object Relationships and Perceptions of Relationship with the Father in Applicants and Non-Applicants for Divorce. *Clinical Psychology Research & Counseling*, 2017; 6 (1), 44-59.
5. Feldhaus M, Heintz-Martin V. Long-term effects of parental separation: Impacts of parental separation during childhood on the timing and the risk of cohabitation, marriage, and divorce in adulthood. *Advances in Life Course Research*. 2015 Dec 1; 26:22-31.
6. Rahmatian F, Hashemian S, Borjali A, Habibi M. The relationship between one's perception of father's parenting with subjective relationships and defense mechanisms. *Journal of Forensic Medicine*, 2019; 5 (1): 17-30.
7. Ziadni MS, Jasinski MJ, Labouvie-Vief G, Lumley MA. Alexithymia, defenses, and ego strength: cross-sectional and longitudinal relationships with psychological well-being and depression. *Journal of happiness studies*. 2017 Dec 1;18(6):1799-813.
8. Parvai K, Aghamohammadian H, Ghanbari B, Dehghani M. The relationship between ego empowerment and metacognition in male and female students. 2017; *Training strategies*, 9 (2): 118-126.
9. Fallahi M, Deldar F. Investigating the Factors Affecting Divorce in Iranian Provinces with Emphasis on Economic Factors. 2017; *Cultural - Educational Women and Family*. 10 (34): 135-155.
10. Booth A, Johnson D, Edwards JN. Measuring marital instability. *Journal of Marriage and the Family*. 1983 May.
11. Sanaei b. *Family and Marriage Measurement Scales*. 2009; Tehran: Bethat Publications
12. Yeh HC, Lorenz FO, Wickrama KA, Conger RD, Elder Jr GH. Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife. *Journal of family psychology*. 2006 Jun;20(2):339.
13. Hadinezhad H, Tabatabaeian M, Dehghani M. A Preliminary Study for Validity and Reliability of Bell Object Relations and Reality Testing Inventory . *IJPCP*. 2014; 20 (2) :162-169
14. Meyer GJ. Incremental validity of the Rorschach Prognostic Rating scale over the MMPI Ego Strength Scale and IQ. *Journal of Personality Assessment*. 2000 Jun 1;74(3):356-70.
15. Ghanbari, S. Esmaili, Z. Purebrahimi, T & Kholghi, H. The role of marital disturbance by mediating the quality of parental care in anticipation internalization and internalized problems of children. *Journal of Psychological methods and models*, 2016; 7(26): 71-55.
16. McGivern RF, Mosso M, Freudenberg A, Handa RJ. Sex related biases for attending to object color versus object position are reflected in reaction time and accuracy. *PloS one*. 2019;14(1).
17. Hatemi PK, McDermott R, Eaves L. Genetic and environmental contributions to relationships and divorce attitudes. *Personality and individual differences*. 2015 Jan 1; 72:135-40.
18. Dixon RA. Collaborative memory and aging. *Basic and applied memory research*. 2013 Nov 19; 1:359-83.
19. Fatima M, Ajmal MA. Happy marriage: a qualitative study. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*. 2012 Apr 1;9(2):37-42.
20. Nimtz MA. Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study. 2011; Unpublished doctoral dissertation, Liberty University.
21. Jamil L, Atef Vahid M, Dehghani M, Habibi M. The Mental Health Through Psychodynamic Perspective: The Relationship between the Ego Strength, The Defense Styles, and the Object Relations to Mental Health . *IJPCP*. 2015; 21 (2) :144-154
22. Bachand LL, Caron SL. Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*. 2001 Mar 1;23(1):105-21.
23. Korayi A, KhojastehMehr R, Soudani M, Aslani Kh. Identifying Factors Affecting Satisfactory Sustainable Marriage in Women. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2016; 6 (2): 129-164.
24. Bloch L, Haase CM, Levenson RW. Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*. 2014 Feb;14(1):130.

25. Kaslow F, Robison JA. Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*. 1996 Jun 1;24(2):153-70.
26. KarimiSani P, Ehyayi K, Esmaeili M, FalsafiNejad M. Determinants of Marital Success: A Qualitative Study. *Consulting Research (News & Consulting Research)*, 2014; 12 (45): 75-93
27. Sharifi M, Karsouli S, Bashldeh K. The Effectiveness of Attribution Retraining on Reducing Marital Burnout and Divorce in Divorce Applicant Couples. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2011; 1 (2): 212-225.
28. Kalil A, Ziol-Guest KM, Levin Epstein J. Nonstandard work and marital instability: Evidence from the National Longitudinal Survey of Youth. *Journal of Marriage and Family*. 2010 Oct;72(5):1289-300.
29. Nazari A, SahebDel H, Asadi M. Investigating the Relationship between Attachment Styles and Marital Instability in Married Men and Women, *Journal of Woman and Family Studies*, 2011; 2 (8): 115–125.
30. Manning WD, Cohen JA. Teenage cohabitation, marriage, and childbearing. *Population research and policy review*. 2015 Apr 1;34(2):161-77.
31. Hahlweg K, Richter D. Prevention of marital instability and distress. Results of an 11-year longitudinal follow-up study. *Behaviour Research and Therapy*. 2010 May 1;48(5):377-83.
32. AliMoradi S, Baghban I, Fatehizadeh M, Jalali M. Comparison of the Effectiveness of Family Judgment and Counseling Process on Reducing Conflicts of Couples Referred to Family Court in Isfahan. *Applied Sociology*, 2010; 21 (2): 137-168.

*Original Article***Explaining Structural Relationships of the Relationship between Objective Relationship Quality and Marital Instability Based on the Mediating Role of ego strength**

Received: 04/02/2020 - Accepted: 24/04/2020

Elnaz Sadafi¹
Nader Monirpour^{*2}
Hasan MirzaHoseini³¹ Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran² Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran³ Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

* Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Email: Monirpour@qom-iau.ac.ir

Abstract**Introduction:** The purpose of the present study was to explain the relationship between the quality of object relationships and marriage instability based on the mediating role of ego strength.**Method:** The present study was a descriptive-correlational study of path analysis and structural equations. Using available sampling method, 438 couples were selected from couples referring to counseling centers for separation and considering marital instability questionnaires (1997), psychological strength checklist. Ego Strom et al. (1997) completed the Bell Subject Relationship Questionnaire (1995). Path analysis and structural equations were used to analyze the data.**Results:** The results showed that the fitness index obtained from confirmatory factor analysis supported the fit of the research measurement model with the collected data. The coefficient of the whole path between the quality of the object relationships and the instability of the positive marriage was significant at the 0.01 level. There was a negative significant relationship between ego strength and marital instability at 0.01 level and finally indirect coefficient of coefficient between object relations and positive marital instability was significant at level 0.01 which indicated ego strength Significant positivity mediates the relationship between object-relationship and marital instability.**Conclusion:** Ego strength and the quality of object relationships account for 22% of the variance in marital instability. Ego strength can mediate the relationship between the quality of object relationships and the instability of marriage among divorced couples.**Keywords:** Objective Relationship Quality, Marriage Instability, ego strength**conflict of interest:** There is no conflict of interest.